

در هر حال استثنائات در دستور زبان فارسی زیاد است و غرض ما نیز از نوشتن این مقاله آوردن همه استثنائات نبود بلکه آوردن بخش کوچکی از آنها آنهم بمنظور مشخص نمودن نقش معنی در مباحث دستوری بود همانگونه که گفتیم قواعد دستوری هرگز نمی‌تواند کلیت داشته باشد وجود این استثنائات و سایر استثنائات و افعال بی‌قاعده در کنار افعال باقاعده وجود مصادر سماعی در کنار قیاسی و... خود دلیلی بر این مدعاست و ما باید در همه بحث‌های دستوری معنی را ملاک کار قرار دهیم تشخیص افعال ذوجهین، شدت وجه و صفی از ماضی نقلی، تشخیص انواع الف‌ها (زائد، ندا، تعجب...) انواع ی‌ها (لیاقت نسبت عظمت...) انواع اضافه‌ها (ملکی اختصاصی، استعاری...) تقسیم‌بندیهای حروف و قید از جهت معنی و... همه و همه دلالت بر این دارند که معنی نقش برتر را به عهده دارد و در یک کلام تشخیص نوع و نقش کلمه بدون توجه به معنی کلمه امکان‌پذیر نخواهد بود با توجه به آنچه ذکر گردید اینجانب نقش معنی را در مباحث دستوری نقشی اول و اصلی و اساسی می‌دانم و قواعد دستوری و ساختمان ظاهری کلمات در درجه بعد از معنی از اهمیت برخوردار می‌باشند و بالاتر از همه اینها زبان مردم است که در دستور نقش تعیین کننده دارد/ م.

منابع - نگاهی تازه به دستور زبان دکتر محمد رضا باطنی (در آوردن نظریه زیباشناسان)

دستورنامه دکتر محمد جواد مشکور (در آوردن بعض شواهد دستوری) کتابهای دبیرستانی (در آوردن بعض شواهد دستوری)

جذبة جانانه

«من آن شمعم که خاکستر ندارم

شهید عشقم و پیکر ندارم»

گرفتمارم به دام زلفِ دلدار

هوای غیر او در سر ندارم

شرابی جز شرابِ کهنهٔ عشق

من اندر جام و در ساغر ندارم

دل آکنده از مهر و صفا هست

چه غم دارم که سیم و زر ندارم؟

اگر بردار بسیندم چو منصور

دل شیدا ز دلبر بر ندارم

منم آن عندلیب نغمه‌پرداز

که از این نغمه‌ای خوشتر ندارم:

بنازم جذبةٔ جانانه «فرزین»

کزو بر دل بجز آذر ندارم!

عبدالحسین فوزین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی